ت» با «باید راسیت گفت»، در تحریک و

هییج شخص به فعل مستحسن راست گفتن

تفایت می کند، اگر چه گاه نیز در کنار این باورها،

از زمانی کـه فیلسوفان پیونـد میـان اخلاق و

زندگی را مطرح کر دند، دو مفهوم اساســی شــکل گرفت. یکی این که چگونه میشــود زندگی انسانی

ا براخلاق استوار کے دو دوم این کے حوجیزی ر برا حدی مصور صر- و دوم بین صد پ پیری اخلاقی تلقی میشــود. در پر تو این دو پرسش بود که جســتوجو از فضیلــت و ســعادت، پراهمیت

جلــوه کــردُ. دُر نَــگاه اول ایــن دو مفهــوم صرفا مفاهیمی فیلســوفانه بودند اما زمانی که با زندگی

و زندگی اخلاقی در جامعه پیونک خورد به تدریج به معنایی انضمامی، اجتماعی و اخلاقی تبدیل شد. جست وجوی این که چگونه زندگی اخلاقی

امکان پذیر می شود از همان ابتدا به پرسشی بسیار مهم تبدیل شد که توجه بسیاری از متفکران و

۱۹۳۰ - در این در این در امروز وقتی فیلسوفان را به خود معطوف کرده بود. امروز وقتی از پیونــد زندگی و اخلاق بهعنوان زیســت اخلاقی

حرف مىزنيم، نشان مىدهد بشر تاكنون نتوانسته رت بهر سیاری به زیست اخلاقی و اصول و قواعد است راه دستیابی به زیست اخلاقی و اصول و قواعد دستیابی به آن را پیدا کند. لذا طبیعی است که در

جامعه بشری اخلاق همچنان مورد توجه باشد زیرا زیســت بدون اخلاق امکان ندارد. زندگی کردن با

ی . . . ر ی کی در . . . ر ی مواجهیم یعنی از پایان سده شانزدهم تاکنون، اخلاق گمشده زندگی بشری بود اما این عامل حالا در زندگی انسانها کمتر جا دارد. این پرسش

. تُروت و بدون آن یا با اندیشــه و بدون اندیشــ

ئوليت پذيرند، يعني جامعه انساني را پيكره

انسان،اخلاق،خودفريبي

واحدی می بینند کـه در آن هر یک از انسـانها می کوشـد تا از رنج و محنت دیگری بکاهد و این پاسخ به این پرسش که حیات اخلاقی چیست و چه موانع و مشکلاتی بر سر راه آن وجود دارد، به اجمال در دو بخش قابل پرداخت است. نخستین اِ نُيزِ بخشــُى از وُظايف و تكاليف انساني خُود بخش با این سوال آغاز میشود که زندگی اخلاقی ۔ اما در بخش دوم باید به این ســوال پاســخ داد چیست و با چه مولفه هایی قابل شناُخت است؟ در باســخ می توان گفت زندگی اخلاقی نوعی زیست که مشکلات و موانع حیات اخلاقی انسان فارغ از این که است که در اُن نخست: هر فرد، دیگری را مانند خود و یک «انسان» می انگارد و توجه به حقوق انسان در چه جامعهای زندگی می کند، چیست؟ در این زمینه باید گفت، زیست حوه و یک «نستن» هی صدوری و گریزناپذیر تلقی ر این زمینه باید گفت، زیست اخلاقی فرد با این صعوبتها در امرطلبد. ی کند. در چنین نگرشی، فـرد روانمی دارد که ا فریب، دروغ و ظلم حقوق فرد دیگر یا جامعهای لوازم خاص خود را می طلبد. نخست: تأمیس نیازهای اولیه انسان تا هنگامی که را پایمال و خود را به مصلحت یا منفعتی برساند، زُيراً او به خُوبي أُمُوخته است كه پيش از هُر عملي ۔ ۔مت مقابل این فعل فے ض کر دہ و فُ اد حامعه دغدغهمند واکنش محتمل خود در برابر این فعل را ارزیابی کند. دوم: التـزام به هنجارهـای اخلاقی، بهطور سر. ۰۰ حتیاجــات ابتدایی و پسـ اساســی معطوف به باورهــا و انگیزههای اخلاقی انسان اســت و نه الزامات و تهدیدهای حقوقی. به خوداز جمله خوراک و مسکن د، بەطبور طبیعیی دیگر سخن، آنسان و جامعه انسانی هنگامی رنگ و بوی اخلاق خواهد گرفت کسه معرفت به غالب گزارهها و احلکام اخلاقی همچون «راسستگویی

انسان و جامعه انساني هنگامی رنگ و بوی اخلاق خواهد گرفت که معرفت به غالب كزاره هاواحكام اخلاقي همچون اراستگویی خوب است» یا «باید راست گفت»، در تحریک و تهییج شخص به فعل بتحسن است گفتن كفايت می کند، اگر چه گاه نیز در کنار این باور ها، عوامل انگیز انندهای مانند تُواب و عقابِ اخروی نیز چندان اهتمامی به سطوح عالی زندگی ازجمله حیات لازممىآيد اخلاقی نخواهند داشت. غالب انسانها چنانند که در

مضایق و تنگناهای معیشتی ، جنسی و... از اصول پیشین دینی یا اخلاقی چشم پوشی کرده و همت پ این تی تی تا در ار است که نظر و از نظر خود را صرف رفع خلاً و نیاز محسوس تر و از نظر آنها مهم تر می کنند. (البته آشکار است که نه همه انسان های دربند حوایج اولیه فاقد فهم و کنش

اخلاقی اند و نه تمام آنهایی که از این کاستی ها و کمبودها در امانند متخلق به خلقیات حسنه، بلُکه سُخن درُ قاعدهای است که اصولًا مراتب رشد مانها منطبُق به أن اسـت). دومُ: رعاُيتُ عُزت و کرامت انسانها نقش مهمی در زیست اخلاقی افراد دارد. در حدیث مشهوری از امام هادی(ع) نقل است که:

م فلا تاء «سره» (تحفالعقول، ص۴۸۳)، بنابراً یسن در جامعهٔ ای که منزلت و کرامت انسانها پاس داشته مى شود و تعاملات اجتماعي يا عاكمان چندان التفاتي بدان ندارد خواهنا خواه زمينه رشد انســاُنهای بدکردار فُراهم وم: تهدید مهم دیگری که

سوم، بهدید مهم دیدری که فراروی زندگی اخلاقی قرار دارد مسأله مهیم «خودفریبی» در انسانهاست. آنچنان که شاهدیم گاه عواصل اخلاقی با وجود آگاهی از نادرستی برخی از افعال، این کارها را انجام میدهند و در مقابل

از میادرت به بسیاری از افعالی که خبود نیز به س و دُرستی آنها باور دارند امتناع میورزد، چه ر سیاری از ما به رغم آگاهی از قبح اعمالی چون غیبت، دروغگویی، سوءظن و... باز هم آنها

را انجام میدهیسم. این درحالی اسست که به نظر ے , سے میان علم و معرفت عامل و صدور فعل از ی را برای کرد وی تناسبی وجود دارد و از اساس انسان ها مطابق علم خود، عمل می کنند! مولفه ای که در این جا و در کنار ً «ضعف ّاخلاقی» تأثیر گذار بوده عُبارتستُ از «خودفریبی» عامل اخلاقی و ایجاد باورهایی در د تا بدین تر بت به افعال دلخواهش فراهم نگیزش ثانوی نسبت به افعال دلخواهش آید. بدیهی است کـه زمینههای روانشنا، دینی و سیاســی نیــز در ایجاد این مولفه بســیار تأثير گذارند.

گاه نیز چندان موجه نیست) طبقه نخبه جامعه به خود اجازه دهند که بهطور مشال صداقت، عدالت یا خضوع را برای تحصیل اهدافی چون ، سار در برای و ... نا در در بینگارند و به مصلحت، شـــان اجتماعی و... نادیده بینگارند و به بیان دقیق تر نظام اخلاقی برای خود تعریف کنند، ی روید در توده مردم نیسز بهتدریج هنجارهای متعارف اخلاقی رنگ میبازد چراکه مردم نه فقط بر دیک که بر خلق و منش ملوک و بزرگان خود هستند. طبیعی است که چنین نخبگانی ناگزیر مقولات دیگری چون سیاست، فقه و ... را نیز از منظُرى اخلاقًى خُواهند نگريست.

چهارم: عنصر بس

بیار مهم دیگر تخلق نخبگان

مردم مىترسندخودواقعىشان رانشان دهند



پیـش از آنکـه بخواهـم بـه مسـأله ریستاخلاقی بپردازم و مُصایبی که بر سر راه یک زندگی اخلاقی وجود دارد بررسی کنم، ت به معنای اخلاق اشارهای داشته باشم. به گفته صاحب نظران این حوزه، اخلاق از جمع خُلق ترکیب شده که به باطن انسان

درست و صحیح تربیت درست ا بتواند هـر آنچـه قبيح و نادرست است از درون نسان دور کند و ارتباط با همنوع را بهبود بخشــد. مثلا صفتی مانند بخل را در نظر بگیرید. حسادت ری سیادت ازجمله ویژگیهای ناپسیندی است که ر رابطه فـرد با دیگــری را خراب میکنــد و درصدد تخریب کسی برمی آید که کمی بالاتیر از خود اوست برعکس اگر این

ویژگی از اُنسان دور شُود، میتواند کمک کننده به افرادی باشـ -جایگاهــی پایین تر قرار دارنــد. اخلاق دقیقا ... بـه ویژگیهایی اطلاق میشـود که میتواند باعث به وجـود آمدن حسـنههای زیادی در افراد باشــد و آنها را درون انســان تکثیر کند. اما جامعــه امروزی مــا متاســفانه دچار یک بی اخلاقی شده که آسیبهای اجتماعی هر روز آن را شدت می بخشد. کافی است نگاهی بُهُ اَمــارُ زد و خــورد در این چندســـال اخیر نگاهی بیندازید و پیگیر قتلهایی باشـــید که در جامعه روز به روز بیشتر می شود. منشأ تمامی این اتفاقات به دلیل بالا رفتن خشونت در جامعه است که کاملامسالهای ضداخلاقی ،حســاب می آید. در زندگی امروزی آن طور که باید، انصاف و ایثار وجود نــدارد و بخش ت بیده مصد و پیدر و بود صدر دو بدس زیــادی از اختلافات به خشــونتهای کلامی ر. یا فیزیکی منجر میشود. مرگ اخلاقیات در جامعه با همین اتفاقات شکل گستردهتری به

> این حد هیجانگی عمل نمی کردند. همان طبور کـه خُداونـد به موسـی میفرمایـد، وقتی سـراغ فرعــون مـــیروی بــا او با زبان نرم سخن بگو. سخن گفتن با آرامش و مهربانی ازجمله ویژگیهایی است که می تواند فسرد را هنگام عصبانیت خلعسلاح کند. این اندازه دچار خشونت شده است به زعم من، چند دلیل عمده دارد که کی از آنها برخی مدیران

همه تعمیم داد اما فساد و رانتخواری هایی که بهصورت علنسی در این چند ســال اخیر

خود می گیرد و جامعه را با معضل بی اخلاقی روبهرو می کند. در صورتی که در گذشته اکثر اختلافات با گفت و گو حل مي شد و مردم تا

ررے دیں ہے۔ مطان مررے مطان مطان مطرح شدہ باعث شدہ امام دم از اخلاقیات فاصلہ بگیرند، یا برخی کہ تحتعنوان دین، مسائلی را مطرح می کنند باعث شدہ

. ستیم، ناشی از فقدان فهم صحیح اخلاق است. سور می کنیم اخلاق توصیه است درحالی که

TFSS

یکی از انها برحی مدیران کشــور هســتند. من فکر میکنم ما امــروز درمورد اخلاقیــات دچار مشــکل شــدهایم. البتــه این مســاأ



اخلاقشالودهاست

چرا بەرغم جىستوجوي زىس پره برصی مستور برق ریسته این سالها، پیدا کردن آن امکان پذیر نشد. دو معضل اساسی در این زمینه وجود دارد. اول

امور در دوره جدیت بییانهای اخلاقی را کنــار زده، به همین دلیــل امــروزه خیلــی از امــور جایگزیــن اخلاق شــده اســت. بهطــور مثــال رفــاه مهم.تــر از اخلاق جلوه داشت و افراد تصور می کر دند زُند گسی با رفاه و بدونُ اخلاق امکان پذیر است اما زمانی که دچار بحران شدند، دریافتند ت و و پار باری همه در. پیدون اخلاق نمی شیود زندگی کیرد. بسیاری از انسیانها در دوره جدید بدون این که نسبت دقیق بین اخلاق و تکنولوژی را بفهمند، مقه ور تکنولوژی شدند به همین دلیـل امروزه مسأله چگونگی نگاه اخلاقی در اخلاق درک کرد تکنولوژی مطرح میشود. برخی

نیز مُقَهُور قدرت شدندُ و از این زاویه، مسأله نگاه اخلاقی در قدرت مور د بحث است. این معضلات که با کنار زدن حیات اخلاقی به وجود آمدامروز در جامعه بشری تبدیل به یک بحران شد بنابراین وقتی داریم از زیست اخلاقی می پرسیم باید این معضلات را به درستی درک کنیم که سبب شدهاند انسان ها مقهور پدیدههای جدید شوند. پدیدههایی که موجب غفلت انسان ها از اخلاق شد. همین که مسأله زیست اخلاقی هنوز

ــت اخلاقی در تمام این که انسانها فهم درستی از زیست اخلاقی در نیست. زندگی در دوره جدید ندارند و بسیاری از بسیاری از امور در دوره جدید بنیانهای

اخلاق رادر جامعه جاری کنیم. قدرت بدون اخلاق نمی تواند كامياني ببداكندوجامعةبدون ---، ،ی.. اخلاق تباهشدهومریضاس وهيج كاهبه سعادت دست پيدا نمى كنداين گونەنىست كە تنهاعدهمحدودیاز کسانیکه اهميت اخلاق رامي فهمند وظيفهشانجارى كردن اخلاق در جامعه باشد. در جوامع انسانی مهم ترين مشكل نبودن اخلاق انەنبودى تروتوقدرت. همچنان که تروترابایدبراساس حكوم اجتماعی اگر در چارچوُب و مدار اخلاقی باشند، می توانیم زندگی

نیست. زندگی در چارچوب اخلاقی تعریفی دارد و

در دنیای جدید، زیست اخلاقی راه درمان بحران زندگی است. بنیادی ترین اموری که باید به آنها توجه شــوند دو مورد است نخسـت این که فهم در سـت از زیســت اخلاقــی شــکُل بگیرد و دوم این که انسان ها متوجه . جایسگاه و اهمیست اخسلاق در . . زندگــی شــوند. در بســیاری از وا د د. مناسساتمان ناآگاهانه اخلاق را کنار میزنیم و تصور درحالي كه كنار گذاشتن اخلاق یعنی بازنده و محروم شدن و این ت و تحولات

مور د پرسش است نشان از بروز مشکلاتی در این زمینه و دغدغه ما دار د که باید دوباره دنبال اخلاق ر برویم. اُما از ســویی، مشکل این اُســت چیزی که نعبیر به زندگــی می کنیم از نــگاه اخلاقی زندگی

را بــه زندگی صحیــح و جامعه ســالم تعبیر کنیم. امروزه جوامع از فقــدان اخلاق رنج می برند چرا که ما در داوریها، مناسبات، تلاشها و فعالیتهایمان سادر داوری ها انتشاب از مرسی و عالیت سایست توجه نمی کنیــم که اخــلاق چه جایگاهــی دارد درحالی که مهم ترین مسأله ما مسأله اخلاق است. ارحایی که مهم روی هسته به مساحه مری به همین دلیل باید باز کاوی جدیدی درباره جایگاه اخــلاق در جامعـه صورت بگیــرد و ببینیــم آیا با مراجعه به اخلاق و بهخصوص اخلاق از منظر دینی

می توانیم معضلات را به درستی حل کنیم. بسیاری از بحران ها و مصائبی که امروز با آنها روبهرو

اخلاق شالوده و سنگ بناست.

ندگی اخلاقی درست ترین نوع زندگی است نه این که فقط یکی از انحاء زندگی باشد. باید قدرت را هم شاهد خواهیم بود. متفکران بسرای بنیان گذاشتن جامعه برمبنای اخلاق وظیفه دارند و این وظیفه نباید فقط تبدیل به رویکرد علمی باشد و در مقاله و نوشــتن خلاصه شُود. آنها همان طور که در قبال آگاهی و جهل جامعه مســئولند در مورد یک جامعه با مبنای اخلاقی هم وظیفُه دارند. بایُد تلاشمان این باشــد که اخلاق را در جامعه جاری ئنيم. قدرت بدون اخــلاق نمى تواند كاميابي پيدا ت که تنها عده محدودی از کسانی که ت اخسلاق را می فهمند وظیفه شسان جاری کردن اخلاق در جامعه باشــد. در جوامع انســانی عرص حری حری حربی به نصصه مربوسی مسعی مهم ترین مشکل نبـودن اخلاق اسـت نه نبودن ثروت و قدرت. همچنان که ثروت را باید براســاس اخـُـــلاقَ درك كـــرد. اگر قـــدرُت برُمبنـــاًى اخلاق باشد، جامعه، جامعه ســـالمي است. آنچنان كه در . مناسبات بین الملل می بینیم وقتی اخلاق کنار گذاشته می شود هر عملی تجویز و توجیه می شود اما با اخلاق نمی شُود هر عملی را تُوجیه کرد. در صورتی که جامعه فهم درستی داشته باشد اخلاق می تواند شالوده صحیح باشد و در قبال جامعه

سئولىت اىفا كند.

دىدگاه

محمدتقىفاضلميبدى

تا پخشی از جامعه دین زده نسود. مذهب و دین مهمترین بشتوانه اخلاق است و کسی که به دین بی اعتنا شود، بشتوانه حکمی از اعلاق آراز دست داده است. در جامعهای که اخسانی موجه بی کنیز در میگرانر می مسود بیر حصی بیشتر هم می شود و استانداردهای اخلاقی به هم می برشد در این مختابه برای اخلاقی به هم می برشد در این مختابه برای کسی مهم نیست که دیگران در چه وضعی زندگی میکنند. مساله دیگری که زیست اخلاقیی را در جامعه با مشکل مواجه کرده، مساله فقر و ثروتهای زیاد در جامعه است مساله که هردو به یک اندازه اشُــاره دارد. اخُلاق یعنی حالت درونی انسان را براســاس یک استاندارد

که هـردو بـه یک سـدر. می تواند تاثیر گذار باشـد. حضـرت علـی(ع) بــه شرايطزندگىدر جامعه پسـرش مىفرماينــد: از فقر بترس چراکه دین رابرای انجام برخی کارهای را ناقبس، عقبل را زایل و ر روی . ۱۰۰۰ می کندواگر سراخلاقی وادار می کندواگر را در جامعه گناه و فساد را در جامعه بیشتر می کند. کسی که سفره خالی دارد، ممکن کسی بخواهد در ست زندگی كندبامشكل وموانع زيادى روبەرومىشود.نمونەاش ھمينمسألەگزينشاست به هر کاری کهدراداراتدولتی وجود به درادارات دولتی وجود دارد.این که هنگام گزینش از رحمین محصوم مریحین فردمی پرسندبهنمازجمع میروید؟

بزند. از طرفی ثـروت زیاد رقی سرر ط خوشگذرانی میشـود و افراد را به سمت طغیان می کشاند. ایسن فاصله روز به روز می تواند تقویت کننده صفتهایے باشد که کاملا مغایر با . اخلاق است. تفكر اين كه جامعه به هر سمتى رفت ما باید اخلاقی زندگی کنیم و تحت تأثیر ناهنجاریهای جامعه قرار نگیریم، یک شعار

و یک تفکر ایده آل است و نمی تُوان این توقع ُ را از مردم داشته باشیم. اگر فرد ببیند جامعه از بالا فاسـد شـده اسـت، خیلی از مسائل را ِعایت نمی کند و نمی تواند قبول کند که باید به خودی خود در ست رفتار کند. همچنین به خودی خود در صحه به گونهای شده شر ایط زندگی در جامعه به گونهای شده است که مردم را برای انجـام برخی کارهای غیراخلاقی وادار می کند و اگر کسب بخواهد درست زندگی کند با مشکل و موانع زیادی روبهرو می شـود. نمونـهاش همین مسـاله روزبور وی مسود، نصوب ساستین مسید گزینش است که در ادارات دولتی وجود دارد. این که هنگام گزینش از فرد می پرسند به نماز جمعه می روید؟ امکان دارد این سوال را کسانی که دغدغه معیشت دارند و نیاز دارند تا كارى داشته باشند به دروغ جواب مثبت - ری دهند و همین می تواند رواج دهنده دروغ بین بدهند و همین می تواند رواج دهنده دروغ بین مردمی باشد که مدام به راستگویی تشویق می شوند. یا درمورد مسأله حجاب. وقتی قرار است دانشجویان را به .

اخلاق دقيقابه ويژگى هايى حجاب دعوت كنيسم اين کار را از طریق هستههایی در دانشگاه انجام میدهیم اطلاق می شود که می تواند باعث به وجود آمدن حسنه های زیادی در افراد در دانسده انجام می دهیم که گاهـی این موضوع با روشهای درستی انجام نمی شـود. همیـن امـور باعث شده تا برخی افراد در دانشگاه تظاهر به حجاب باشدو آنهارادرون انسان تکثیر کند.اماجامعه امروزیمامتاسفانهدچار یک بی اخلاقی شده که سیبهای اجتماعی هر روز کننــد و در بخشهــای دیگــر زندگی هرطــور که آنراشدت می بخشد. کافی ست نگاهی به آمار زدو خورد خواستند رفتار کنند. ینٌ مســأله ُهــم دُورویی و دراین چندسال اخیر نگاهی رین بیندازیدوپیگیرقتلهایی باشیدکه در جامعه روز به روز ریاکاری را تشدید می کند وُ نظامُ اخلاقي جامعه به هم می خورد. در صورتی که اگر جامعه طوری باشد که افراد خود واقعی شان را نشان بیشترمیشود.

دهند و هیچگونه تحمیل عقاید وجود نداشته باشــد، مســیر جامعه طوری طی میشــود کــه زندگــی اخلاقی یــک عــرف در جامعه میشُود و دیگر کسٹی برای درُستُ زندگی کــردن و نشــان دادن خود واقعــی خودش بر خسی از اخلاقیات را زیر یا نمی گذارد.

